

تربیت و عفاف دختران

دکتر علی قائمی



۳

ارائه الگو و مدل بهترین شیوه عملی برای تربیت است، مخصوصاً " برای کودکان و بویژه برای خردسالان آنها. افراد در همه سنین تحت ناء نیر و نفوذ الگوها هستند و از طریق آنها بهترین بردامنه ترمی آموزند.

در نظام تربیتی اسلام به این مسأله عنایت ویژه ای ابراز شده و قرآن که خود رسول تربیت است به معرفی الگو و اسوه اقدام کرده است. رسول خدا (ص) هم در آموزشها و تفهیمها به امت اسلامی از این شیوه بهره جسته و نماز، وضو، حج و پاره ای دیگر از عبادات را به همین طریق آموخته است.

در تربیت دختران، مادران بیش از هر کس باید

فنونی برای تربیت اخلاق و عفاف

این پرسش که چه فنونی برای پرورش عفاف دختران باید به کار گرفته شود، پاسخی وسیع و بردامنه می طلبد. روان شناسان تربیت، مربیان و صاحب نظران در بحث شیوه ها، فنون و وسایل و ابزار تربیت سخنها دارند که برای ذکر آنها دفتری جداگانه لازم است. مواردی که بارعایت اختصار در این مقال قابل عرضه اند عبارتند از :

۱- ارائه مدل و الگو

۳- استفاده از نیروی فطرت

دربینش اسلامی، فطرتها خدا آشنایند، ذهنها در آغاز ولادت پاک و برکنار از پلیدیها و مفاسدند، خود دوست دارند عزیز و گرامسی باشند، خواستار تقدسند و اگر دعوتی به سوی پاکي و قداست و پرهیز از آلودگی به عمل آید، بدان رغبت خواهند داشت.

بعلاوه وابستگی به والدین، وجود ملاحظیات عاطفی، هشیاری و بیداری وجدان که در همان دوران کودکی و مخصوصاً "سنین پس از ۸ برای کودک پدید می آید و دیگر زمینه های رغبتی همانند پلهایی هستند که او را از شرایط موحود به سوی شرایط مطلوب سوق می دهند، به شرطی که والدین و مربیان همانند عوامل حرکت بخش او را بدان سوی بکشانند. استدلالها و برهانهای ساده و قابل فهم، اقناع کننده فطرتند اگرچه کودک خود اهل استدلال نباشد و نتواند برهانی برای اثبات مسأله ای عرضه کند و براین اساس منطق اثباتی والدین و مربیان هم نقشی در این راه دارند.

۴- اقناع عاطفی

محبت به کودک و نوازش او از سویی حق کودک و بدهی والدین است و از دیدی هم وسیله ای برای سازندگی و سوق دادن است. نوازشهای عادی نه تصنیفی، اعلام محبت به فرزند، دادن روحیه شادی و نشاط به کودک خود از عوامل سوق دهنده طفل به سووجهتی است که والدین و مربیان خواستار آنند. بدین سان با محبتها، نوازشها و اعلام دوستداریها می توانید کودک را به راه مورد نظر بکشانید.

همچنین رشد احساس تعلق نسبت به خانواده و والدین، زنده داشتن این احساس که تودختر

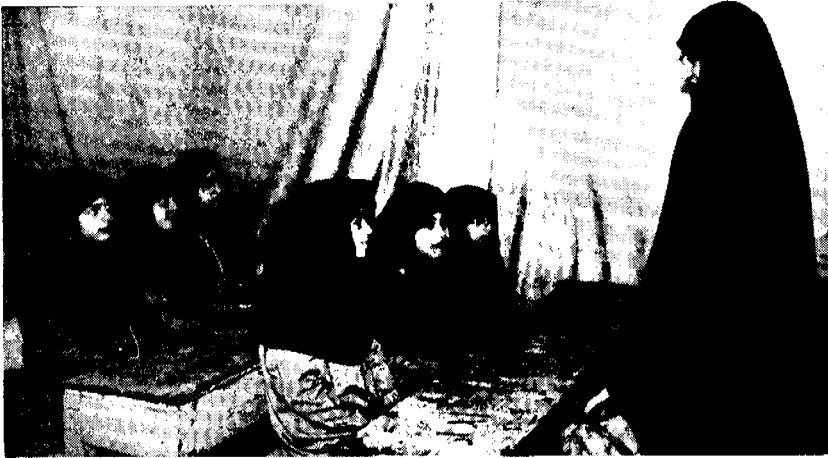
الگوی عملی روش و نظریه ای باشند که از آن دفاع می کنند. اگر مادری خواستار حجاب و عفاف دختر خویش است، خود در این جنبه باید سرآمد باشد و بارفتار و پوشش خود چشم دختر را با چنین شیوه ای پرکند، و البته از همان دوران خردسالی مقدمات آن را برای دختر خویش نیز فراهم سازد.

فراموش نخواهیم کرد که خویشان و بستگان و همه آنهایی که محبوب و مورد علاقه کودکند و نیز همه کسانی که به نحوی در ذهن کودکان به عنوان یک قهرمان و فردی شاخص جایگزین شده اند، می توانند الگویی عملی برای پوشش و عفاف باشند.

۲- ایجاد رغبت

والدین و مربیان با استفاده از شرایط روانی و عاطفی فرزندان، با تکیه به رنگها و صورتهایی که مورد علاقه دختر است می توانند رغبتهای لازم را در این زمینه برای او پدید آورند. فراموش نکنیم که القآت و تلقینات در این رابطه نقشی اساسی ایفا می کنند. فی المثل اگر مقنعه ای بر سر دختر خردسالی کنیم و به او بگوییم تو حالا قشنگتر شده ای، این القاء در روان او و ایجاد رغبت، برای اتخاذ شیوه ای خاص، مؤثر است.

تشویقها و تحسینها در سنین خردسالی، آفرین و مرحبا گویی به فرزند در قبال پوششی خاص، قرار دادن او در شرایط ویژه و کاری انجام شده، در این زمینه مؤثر است. مثلاً "لباس زیبایی بر اساس مبانی عفاف و حجاب برای او بخريد و با تعريف خود از آن لباس، آن را در نظرش زیبا و جاذب معرفی کنید. البته در سنین بعد به کارگیری منطق و استدلال در این جنبه می تواند کار ساز باشد.



بتدریج می توانند استخروج خود او را پیر کنند و او را در همه حال در طهارت و لبریزی نگهدارند.

شرایط برای توفیق بیشتر

والدین و مربیان برای توفیق بیشتر در امر عفاف و اخلاق دختران می توانند از شرایط و امکانات دیگری هم استفاده کنند که هر کدام همچون پیل و سکوی پرشی به حساب می آیند.

آن امکانات و زمینه ها عبارتند از :

۱- غرور و خودخواهی آنان

اصل در تربیت دختران این است که آنها را دارای احساس غرور و خود دوستی بار آوریم، به نحوی که دوستدار خود و خواستار رشد و عزت خویش باشند. غرورها که بخشی از آن نشأت گرفته از فطرت و جزو شرایط زیست و طبیعت آدمی محسوب می شوند به آنها رغبت خود نگهداری، تسلط بر محیط، داشتن عزت و اعتماد به نفس می دهند و این خود سبب حفظ خویش از خطرات و پرهیز از تسلیم شدن به پلیدیهاست.

۲- پاک داشتن محیط از آلودگی

مایی و وابسته به این خانواده ای می توانسد وسیله و سببی به حساب آید تا او را به تبعیت از راه و روشی خاص واداریم. مثلا "والدین می توانند به دختر خود بگویند که رسم خانواده ما فلان پوشش است، در خانواده ما حجاب یک اصل است، ما در خانواده خود چنین وضعی را دوست داریم و ...

۵- ارائه تدریجی فلسفه حیات

این که آدمی نداند کیست و چیست؟ چرا زنده است و چرا کار می کند؟ چرا مرگ و چرا حیات؟ چرا عفت و چرا قداست؟ ... خود سرمنشأ بسیاری از نابسامانیها، خلاف اخلاقها، بی تقواییها و ندانم کاریهاست.

این وظیفه مهمی برای والدین و مربیان است که به همراه رشد و تربیت تدریجی دختران، فلسفه حیات را به آنها بیاموزند. در ایام زندگی کودکان، در پیرس و جوهای کودکانه، در روابط والدین با فرزندان و مخصوصا "در ارتباط مادر با دختر خویش گاهی زمینه ها و فرصتهایی پدید می آیند که می توان با او زمزمه ای داشت و حقایق را عرضه کرد. این عرضه ها و ارائه ها در هر روز و هفته و ماه همانند قطراتی هستند که

ظرافت و لطافت باید بکار گرفته شوند .

۵- کنترلها

از همان دوران کودکی کنترلها درآمد و شد ، در معاشرت ، در مطالعات و خواندنیها و در روابط و برخوردهای اجتماعی باید صورت گیرد . اصل بر این است که نگذاریم عادت ناصواب ، بد آموزی و بد رفتاری برای فرزند پدید آید ، که پیشگیری ، همه گاه مهمتر و مؤثرتر از درمان است .

۶- استفاده از قدرت مذهب

نیروی مذهب ، هم عاملی سازنده است و هم عاملی بازدارنده . تبلیغات مذهبی ، توجه دادن و ارشادات ، ذکر این مسأله که خدا چنین امری را دوست دارد یا ندارد ، می تواند نقش سازنده و مهمی را ایفا کند و در همه حال از قدرت نفوذ آن نباید غافل بود .

تذکری مهم

در تربیت دختران برای عفاف و اخلاق اصل بر این است که از راه اعمال فشار به پیش نرویم و تکیه مان روی روش لطف و نرمی ، استدلال و اقتناع و استفاده از ملاحظات مذهبی ، اخلاقی و عاطفی باشد . برخوردهای فرهنگی و اتمام حجت های فکری سازندگی بهتری دارند ، وگرنه اعمال فشارها در کوتاه مدت اگر مشکلی را حل کند در دراز مدت افراد را همچنان در لجبازی و اعتراض نگه خواهد داشت و روزی که قدرت فشار برداشته شود ، امکان بازگشت خواهد بود .

زخده سالگرد میلاد پر بزرگت غمخین اختر آسمان ولایت حضرت امام محمد تقی

بر همه پیروانش مبارک باد .

این نکته مهمی است که شرایط محیط حیات اجتماعی به گونه ای باشد که دختران ما با ناپاکیها و آلودگیها مواجه نباشند و از گذران و جریانات جامعه درسهای بدی نیاموزند . پاک داشتن محیط خانه از بی بند و باریها ، مراقبت در محیط زندگی خویشاوندان و بستگان ، سعی در اصلاح محیط مدرسه و جامعه و کوشش برای تنقیح فرهنگ جامعه ، خودنقشی مهم و فوق العاده در این زمینه دارد . اگر برای والدین و مربیان امکانی جهت تصفیه محیط از رذایل و آلودگیها نیست ، لاقلاً بکوشیم تماس و ارتباط فرزندانمان را با محیط به حداقل لازم برسانیم .

۳- حل مشکلات و رفع ابهامات

در مواردی رفتار هائیشی از نوعی اعتراض و انتقاد است . به عنوان مثال وضع بدحجابی و بی حجابی می تواند نوعی دهن کجی نسبت به نظام و یابه شرایط موجود باشد . در چنین مواردی مشکلات باید حل شوند ، ابهاماتی که در اذهان وجود دارند زدوده گردند ، به اعتراضات مقدر مثل این سخنان که حجاب خلاف آزادی است ، مانع اشتغال است ، نوعی تحقیر و اهانت برای زن است و ... پاسخهای مناسب و قانع کننده داده شود .

۴- استفاده از عوامل محرک و بازدارنده

تحسین و تشویقها سازنده اند ، همان گونه که از آنها یاد شد . در تربیت اصل بر تشویق و تحسین است ، ولی این سخن بدان معنی نیست که در صورت عدم تاءثیر ، راههای دیگر به روی مربی بسته باشد . در مواردی می توان از شیوه های تذکر ، اخطار و هشدار ، ملامت ، توبیخ و تهدید استفاده کرد و یا گاهی با نگاههای بی رمق می توان عدم رضای خود را از شرایطی اعلام داشت ، که شیوه های اخیر با